

نخستین جنگ صلیبی در تاریخ

لشکرکشی امپراتور هراکلیوس به پارس

نویسنده: روبر تو نارنجو

مترجم: ادهم اندکائی زاده

دبیر دبیرستان های اهواز

andekaiezadeh@gmail.com

اشاره مترجم

پژوهش در زمینه سقوط امپراتوری ساسانیان، به عنوان یکی از برش های مهم تاریخی ایران، هنوز هم به دلایل گوناگون از جایگاه ویژه ای برخوردار است. بسیاری برآنند که ریشه سقوط حکومت ساسانیان را نه در زمان یزدگرد سوم، که در دوران پیش از آن و به ویژه در دوران حکومت خسرو پرویز باید جست و جو کرد؛ زیرا خسرو پرویز بود که به واسطه برخی هوس های شخصی و تحمیل جنگ هایی عمدتاً غیرقابل توجیه بر ایران، پایه های حکومت ساسانیان را متزلزل ساخت. آغاز کردن جنگ با «فوکاس» امپراتور روم شرقی به بهانه حمایت از «موریس» امپراتور پیشین، یکی از این جنگ ها بود. پس از فوکاس، امپراتور «هراکلیوس» که توان مقابله با ارتش خسرو پرویز را نداشت و به دنبال فرار از پایتخت (بیزانتیوم) بود با اصرار مردم و به ویژه کلیسای روم شرقی، در برابر ساسانیان ایستادگی کرد. وی با بهانه قرار دادن مسائل مذهبی، جنگ علیه ایران را آغاز کرد و توانست با تحریک ایمان مذهبی مسیحیان و ارتش خود، ایرانیان را - که چندسال پیش از آن به دنبال یافتن راه فرار در برابر آن ها بود - شکست دهد. این امر آغازی بر سقوط حکومت ساسانیان بود. مورخان مسیحی، از این جنگ به عنوان «نخستین جنگ صلیبی» مسیحیان در تاریخ نام می برند. ناگفته نماند در قرآن نیز از این شکست نخستین و سپس پیروزی نهایی رومیان در برابر ساسانیان، سخن به میان آمده که به عنوان یکی از پیش گویی های این کتاب الهی شناخته می شود. مقاله حاضر به بررسی این مقطع مهم از تاریخ روابط ایران و روم با تأکید بر جنگ صلیبی مزبور می پردازد.

کلیدواژه ها: هراکلیوس، خسرو پرویز، روم شرقی، ساسانیان، جنگ صلیبی

سال به قدرت رسیدن امپراتور فوکاس - بازمی گشت. در آن سال خسرو پرویز^۱ پادشاه ایران، مجموعه ای از تهاجمات را به سرزمین های رومیان و اشغال آن ها آغاز کرد^۲ که بیش از ۱۵ سال به طول انجامید. خسرو پرویز در همان نخستین سال لشکرکشی، سپاه روم شرقی را در نبرد «Arxamoun» با به کارگیری فیل ها در هجوم به قلعه ها و دژهای رومیان شکست داد [تورتلدوف (Turtledove)، ۱۹۸۲: ۲۹۲] یک سال بعد (۶۰۴ م) نیز شهر «دارا»^۳ و مناطقی از بین النهرین و سوریه به دست ایرانی ها افتاد.

فوکاس^۴ به سختی می توانست در برابر فتوحات ایرانیان ایستادگی کند، به ویژه اینکه در سال ۶۰۷ م، هم زمان با تصرف ارمنستان، کاپادوکیه^۵، گالاتیا^۶ و پافلاگونیا^۷ [به دست ایرانیان]، بربرها نیز مدام علیه روم شرقی دست به شورش و اغتشاش زدند. در نتیجه، نیروهای ایرانی بدون هیچ گونه رودررویی و مقاومتی، از رود فرات^۸ گذشتند و بخش هایی از سوریه و فلسطین را ویران ساختند و در

هراکلیوس^۱ امپراتور بیزانس^۲ یا روم شرقی، بین سال های ۶۲۱ تا ۶۲۸ م جنگی خونین، ویرانگر و توان فرسا در برابر شاهنشاهی ساسانیان دست زد. با نگاهی به رخدادهای پیش از آن، سه دلیل قانع کننده برای این اقدام هراکلیوس می توان برشمرد: نخست، برای پایان دادن به جنگ های فاتحانه ایرانیان در قلمرو حکومت روم شرقی [که از سال ها پیش ادامه داشت]، دوم برای پایان دادن به عقب نشینی مسیحیان در برابر ایرانیان، از بخش های داخلی روم شرقی، و سوم پاسخ به نیازهای روحی یک امپراتور جوان که تشنه ماجراجویی و کسب نام و اعتبار بود، یعنی خود هراکلیوس. هرچند این جنگ، راحت و آسان نبود ولی به هر حال سبب بازسازی دوباره امپراتوری روم شرقی به عنوان یک ابرقدرت در آسیای صغیر شد.

از میان سه دلیل گفته شده برای لشکرکشی رومیان در برابر دولت قدرتمند ساسانی، پایان دادن حملات ایرانیان به قلمرو امپراتوری روم، مهم تر از دیگر دلایل بود. در واقع، شروع این جنگ به سال ۶۰۳ م - دومین

تمام محورها به سوی کالسدون^{۱۰} پیشروی کردند. در نخستین سال از امپراتوریِ هراکلیوس (۶۱۰م)، ایرانیان بار دیگر به سوریه حمله کردند و شهرهای آپامیا^{۱۱} و ادسا^{۱۲} را تصرف کردند و تا انطاکیه^{۱۳} نیز پیش رفتند. در کتاب «گاه‌شمار تئوفانس»^{۱۴} آمده است که «رومیان با آن‌ها رودرو گشتند، جنگیدند و قلع و قمع شدند... همه ارتش روم از میان رفت، به گونه‌ای که تعداد اندکی از سربازانشان جان سالم به در بردند.» (همان: ۲۹۹)

در سال ۶۱۱م، یعنی دومین سال از سلطنت هراکلیوس، وضعیت برای او و شهر بیزانتیوم (پایتخت) بهبود نیافت. ایرانیان فرمانروای کاپادوکیه و هزاران نفر دیگر را به اسارت گرفتند و بدتر اینکه در بخش اروپایی بیزانس، قبایل «آوار»^{۱۵} هم، به غارت منطقه بالکان دست زدند. هراکلیوس یک هیئت تحقیق و بازرجویی را تعیین و مأمور کرد تا درباره نیروهای نظامی موجود در کشور بررسی‌هایی انجام دهند که بر پایه گزارش دریافتی متوجه شد از مجموع لشکرهایی که همراه فوکاس در برابر موریس [امپراتور پیشین] به نبرد پرداختند تنها دو لشکر باقی مانده است (همان: ۳۰۰).

در سال ۶۱۳م و پس از تصرف دمشق به دست ایرانیان، شاهد نخستین تلاش سیاسی امپراتور برای جلوگیری از ادامه پیشروی ایرانی‌ها هستیم. هراکلیوس برای دستیابی به صلح، سفیرانی را نزد خسرو پرویز فرستاد ولی خسرو پرویز آن‌ها را بازگرداند. در سال بعد، خسرو پرویز نواحی اردن و فلسطین و همچنین پس از سه هفته محاصره، شهر مقدس اورشلیم [بیت المقدس] را تصرف و غارت کرد^{۱۶} و از جمله تکه‌هایی از صلیب مقدس را غنیمت گرفت. همچنین ریش سفید شهر بیت المقدس و تعداد بی‌شماری را اسیر کرد.^{۱۷} (همان: ۳۰۱)

فتوحات خسرو پرویز در میان سال‌های ۶۱۵م و ۶۱۹م به اوج خود رسید [و دامنه آن به شمال آفریقا نیز کشیده شد]، به طوری که تمام مصر، اتیوپی، لیبی و کارتاژ^{۱۸} نیز به تصرف ایرانیان درآمد. در سال ۶۱۵م دسته‌هایی از سپاه ایران به نزدیکی تنگه بسفر [نزدیک پایتخت روم شرقی] رسیدند؛ [اما] سقوط مصر در بهار سال ۶۱۹م بسیار حیاتی و تعیین کننده‌تر بود چرا که تأمین ذرت مورد نیاز بیزانتیوم^{۱۹} را مختل کرد. مصر ثروتمندترین استان روم شرقی بود [استروگورسکی (Ostroyorsky)، ۱۹۶۹: ۹۵]. به هر روی، خسرو پرویز برای زنده کردن شاهنشاهی باستانی پارس [هخامنشیان] آماده و ثابت قدم بود.

از نگاهی دیگر، حمله نظامی به ایرانی‌ها را می‌توان در شمار «جنگ‌های صلیبی»^{۲۰} یا جنگ‌های مذهبی

طبقه‌بندی کرد. [توضیح اینک] مذهب، در آن زمان [یعنی در دوران قرون وسطا] بیش از دوران جدید، زندگی روزمره انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داد. افراد و حاکمان هر کاری را یا بر پایه جلب رضایت خدا و یا به سبب اینکه خدا دستور داده بود انجام می‌دادند. لذا هنگامی که این اعتقاد از سوی یک مذهب متفاوت، یعنی ایرانیان زردشتی، به چالش گرفته شد، رومی‌ها برای ایستادگی در برابر آن به جنبش درآمدند. از آنجا که سرزمین‌های تصرف شده به دست ایرانیان عمدتاً مسیحی‌نشین بودند و توسط نیرویی فتح شده بودند که با اعتقادات مسیحی دشمنی داشت لذا واکنش آشکار رومیان در قالب «یک نهضت عظیم بازپس‌گیری مذهبی»^{۲۱} انجام می‌گرفت. در سرزمین‌های اشغال شده، مسیحیان زیر فشار سرکوب و آزار ایرانیان بودند و بسیاری از آن‌ها کشته می‌شدند؛ حتی بقایای صلیب مقدس و یکی از اشیاء مورد تکریم دین



مسیحیت قلمداد می‌شد، به غنیمت گرفته و به ایران برده شده بود.^{۲۲} شهر اورشلیم نیز برای چند روز آتش‌سوزی، تخریب و قتل‌عام را تجربه کرد که از پیامدهای آن، تخریب کلیسای «گورستان مقدس»^{۲۳} بود.

پیش از آغاز جنگ، کلیسای روم شرقی برای نشان دادن حمایت کامل خود از این سازماندهی و تدارک برای حمله، کمک فوق‌العاده و بی‌اندازه‌ای به هراکلیوس کرد. **کلیسا ثروت و اموال خود را که شامل تندیس‌ها و شمایل‌های طلایی و نقره‌ای بود، برای ذوب کردن و تبدیل آن‌ها به پول، به حکومت اهدا کرد.** همان‌طور که «استروگورسکی» در کتابش آورده «جنگ در فضایی از شور و تعصب مذهبی، که تا پیش از آن در هیچ زمانی دیده نشده بود، آغاز گشت.»^{۲۴} (همان: ۱۰۰)

در سال ۶۲۱م، وقتی که رومیان آماده حمله شدند هراکلیوس در آغاز جنگ با به دست گرفتن تصویری از مسیح و با اظهار ایمان قوی نسبت به آن، سربازان افسرده و نامنظم خود را مورد خطاب قرار داد و آنان را تهییج

کرد. سال بعد [۶۲۲م] امپراتور بار دیگر سرزمین‌های ایران را مورد تاخت‌وتاز قرار داد که طی آن باز هم سربازانش را با سخنانی که کم‌وبیش رنگ تقدس داشت مورد خطاب قرار داد. او وظیفه سربازان را در انتقام گرفتن از اهانت‌کنندگان به خدا، به آنان یادآوری کرد.^{۲۵} پس از این سخنرانی، هراکلیوس، نیروهایش را آماده جنگ احساس کرد (تورتلدوف، ۱۹۸۲: ۳۰۷). هدف دیگر از جنگ صلیبی، بازپس‌گیری صلیب مقدس و در واقع (تگه‌هایی از صلیب) بود؛ صلیبی که در سال ۶۱۴م در اورشلیم غنیمت گرفته و به ایران فرستاده شده بود. از این آرمان و آرزو نیز به‌عنوان هدفی مهم که سربازان را متحد و یکپارچه می‌کرد استفاده شد.

پس از آغاز جنگ، ارتش روم شرقی حقیقتاً همچون یک ارتش صلیبی رفتار کرد. پیش از فرا رسیدن زمستان سال ۶۲۲م، هراکلیوس [در نزدیکی قفقاز]^{۲۶} از سربازانش خواست که نیت خود را خالص و پاک گردانند، سپس کتاب انجیل را باز کرد و به آن تفل زد و فهمید که طبق آن باید در همان فصل زمستان، به آلبانیا^{۲۷} هجوم ببرد (همان: ۳۰۸). بنابراین حمله کرد و به محض ورود به آلبانیا، تمامی اسیران و زندانیان را آزاد ساخت. البته بسیاری از آن‌ها به‌عنوان قدرشناسی و ادای دین، به اردوی او پیوستند. به‌عنوان شاهد و نشان بیشتری از این تعهد مذهبی هراکلیوس [برای آغاز کردن جنگ]، در بهار سال ۶۳۰م در میان شادی و هیجان فراوان مردم، صلیب راستین (مقدس) را بار دیگر در بیت‌المقدس نصب کرد که این اقدام او به نماد پیروزی آن‌ها در نخستین جنگ مقدس مسیحیان بدل شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Heraclius: هرقل؛ متولد سال ۵۷۴م در کارتاژ و مرگ او در سال ۶۴۱م در بیزانتیوم (قسطنطنیه بعدی) روی داد. وی از سال ۶۱۰م تا زمان مرگش امپراتور روم شرقی بود.
۲. Bizantine: روم شرقی.
۳. علت این حمله مسائل داخلی بیزانس بود. توضیح اینکه پس از کمک موریس امپراتور وقت روم شرقی به خسروپرویز برای غلبه بر بهرام چوبین و بازگشت دوباره وی به پادشاهی، طبق تعهدی که خسروپرویز کرده بود برخی مناطق قلمرو ایران به موریس داده شد. در زمان «موریس» روابط نسبتاً پایداری میان ایران و روم شرقی برقرار بود تا اینکه در سال ۶۰۲م سپاهیان بیزانس در بالکان به رهبری یکی از افسران خود به نام «فوکاس» راهی پایتخت شدند و موریس را به قتل رساندند. به هنگام امپراتوری فوکاس شورش‌هایی در نواحی گوناگون امپراتوری در گرفت و خسروپرویز به فکر استفاده از این فرصت بود. در بهار ۶۰۳ که سفیران بیزانس به دربار ساسانی آمدند تا امپراتوری فوکاس را اعلام دارند به زندان افتادند. بدین ترتیب خسرو برای اعلان جنگ به بیزانس بهانه خوبی در دست داشت که همانا انتقام خون موریس بود. (برای آگاهی

بیشتر نگاه کنید به: تاریخ ایران، کمبریج، جلد ۳، قسمت اول، صص ۲۶۶-۲۶۰)

۴. Dara: دارا یکی از شهرهای مهم امپراتوری روم شرقی بود که از سال ۵۷۳م در دست ایرانیان بود ولی به پادشاه کمک بیزانسی‌ها به خسروپرویز در به‌دست آوردن دوباره پادشاهی، به آن‌ها داده شد. آثار بجا مانده آن در روستای اگول ترکیه قرار دارد.

5. Phocas

۶. Kappadocia: (سرزمینی در بخش‌های مرکزی آناتولی (ترکیه امروزی) و در ساحل جنوبی دریای سیاه)

۷. Galatia: از شهرهای قدیمی و مهم روم شرقی بود. شهر آنکارا پایتخت کنونی ترکیه در ناحیه گالاتیای باستانی قرار دارد.

۸. paphlagonia: از شهرهای قدیمی روم شرقی و در ساحل دریای سیاه قرار داشت. این شهر امروزه در ترکیه قرار دارد.

9. Euphrates.

۱۰. Chalcedon: این شهر باستانی در آسیای صغیر بر روی یک شبه‌جزیره در ساحل دریای مرمره و نزدیک دهانه تنگه بسفر قرار داشت. در واقع دروازه ورود به قسطنطنیه بود. امروزه بخشی از شهر استانبول است و منطقه «قاضی‌کوی» نامیده می‌شود. کالسدون ریشه فینیقی دارد و به‌معنای شهر تازه است.

۱۱. Apamea: از شهرهای باستانی سوریه بوده است. این شهر در ساحل دریای مدیترانه و در کنار شهر امروزی حما قرار دارد.

۱۲. Edessa: شهری تاریخی از زمان آشوریان واقع در شمال بین‌النهرین میان موصل و شام که یونانیان آن را به این نام نامیدند. در فارسی رها و در عربی الرها نامیده می‌شود.

۱۳. Antioch: از شهرهای به‌نام و باستانی است که در حدود سال ۳۰۰ ق.م به‌دست سوکوس اول جانشین اسکندر در متصرفات شرقی یونان بنا شد. این شهر امروزه با همین نام در جنوب کشور ترکیه و در کنار رود اورتس در ۲۲ کیلومتری ساحل دریای مدیترانه قرار دارد.

۱۴. theophanes: ثئوفانس یکی از مورخان بزرگ بیزانسی (۸۱۸-۷۵۲م) بود. وی که راهب کلیسا نیز بود کتاب گاه‌شمار (سالنامه) خود را با یک شیوه جدید از وقایع‌نگاری تاریخی نوشت و در آن به بیان وقایع امپراتوری بیزانس به‌صورت سالانه در میان سال‌های ۶۰۲م تا ۸۱۸م پرداخت.

15. Avar

۱۶. تصرف شهر بیت‌المقدس به‌دست یکی از سرداران نامی ساسانی به نام «شهربراز» انجام گرفت. (تاریخ ایران، کمبریج، جلد ۳، قسمت اول، ص ۲۶۵)

۱۷. البته به تلافی تسخیر شهر بیت‌المقدس (اورشلیم)، بعدها و در سال ۶۲۳م هراکلیوس نیز پس از تصرف آذربایجان معابد و آتشکده‌های زردشتیان را تخریب و غارت کرد. (تاریخ ایران، کمبریج، جلد ۳، قسمت اول، ص ۲۶۶)

۱۸. Carthage: تونس امروزی

۱۹. Constantinople: قسطنطنیه، اسلامبول، استانبول. این شهر قبل از سقوط به‌دست کنستانتین بیزانتیوم نام داشت.

20. Religious Crusade

21. A major religious reconquest

۲۲. این صلیب به‌عنوان غنیمت به تیسفون پایتخت ساسانیان برده شد.

23. Holy Sepulcher.

۲۴. به اعتقاد استروگورسکی این نخستین جنگ با مشخصات جنگ‌های قرون وسطایی و البته پیشگام جنگ‌های صلیبی آینده بود.

۲۵. این موضوع به جز در کتاب‌های مورخان مسیحی در هیچ کتاب دیگری آورده نشده است. (مترجم)

26. Caucasus

۲۷. Albania: آلبانیا منطقه‌ای بوده است در قفقاز و با آلبانی کنونی در بالکان متفاوت است. آلبانیا دولتی بود که در سده دوم پیش از میلاد در ناحیه قفقاز پدید آمد و پس از مدتی به دست ساسانیان افتاد و از استان‌های مهم پادشاهی ساسانی به‌شمار می‌آمد و با نام «پادشاهی آران، Arran» شناخته می‌شد. امروزه در کشور جمهوری آذربایجان قرار دارد.

منابع

1. Turtledove, Harry. The Chronicle of Theophanes. university of Pennsylvania Press. Philadelphia 1982.
2. Ostrogorsky, George. History of the Byzantine. State Rutgers University Press. New Jersey 1969.